

عنوان مقاله:

بازنگری در تصریف زمان گذشته در زبان فارسی بر پایه نظریه صرف توزیعی

محل انتشار:

دوماهنامه جستارهای زبانی، دوره 9، شماره 1 (سال: 1397)

تعداد صفحات اصل مقاله: 24

نویسنده:

مزدک انوشه - استادیار زبان شناسی دانشگاه تهران، تهران، ایران

خلاصه مقاله:

صرف توزیعی انگارهای دستوری است که در دهه 90 میلادی به کوشش هله و مرتنز (1993، 1994) در بستر نظریه اصول و پارامترها بالیدن گرفته است. این نظریه که مجموعه فرض هایی در باب تعامل بخش های مختلف دستور و از جمله صرف و نحو و واج شناسی فراهم می آورد، تصریح می کند که ساختار واژه ها نیز مانند گروه و جمله در نحو تولید می شود. بر پایه این رهیافت پادواژه گرا، در مقاله حاضر میکوشیم تا ویژگی های هسته های نقش نما مانند زمان و مطابقه را که جایگاه اتصال عناصر فعلی زبان فارسی هستند، بررسی کنیم و نشان دهیم که چگونه این عناصر وندهای زمان و شخص و شمار را جذب می کنند. برای این منظور، پس از معرفی اجمالی پیشینه پژوهش در باب وندهای گذشته زبان فارسی و تکواژگونی ریشه های فعلی، به بررسی مبانی صرف توزیعی و به ویژه تمایزهای آن با کمینه گرایی واژه گرا می پردازیم. در ادامه، بر مبنای فرضیه حرکت فعل در محمول های بسیط و مرکب زبان فارسی، نشان می دهیم که فعل های واژگانی و دستوری درون گروه فعلی کوچک از طریق فرایند پسانحوی ادغام صرفی به هسته زمان حرکت می کنند تا از این رهگذر، وندهای زمان و مطابقه را جذب کنند. سرانجام، استدلال می کنیم که خلاف توصیف های سنتی، تنها وند گذشته در فارسی تناوب واجی و خودکار داست است. طبق این تحلیل، عنصری به نام ستاک حال یا گذشته در زبان فارسی وجود ندارد؛ بلکه ریشه ای مانند بین دارای دو واژگونه بین و دی است که جایگاه تظاهر هر یک کاملاً تابع محیط واجی (و نه ساخت واژی) است؛ بدین صورت که واژگونه دوم در مجاورت هر وندی که با واج /d/ آغاز شود، می آید (مانند: می دیدیم، دیدن، دیدار) و واژگونه نخست در هر جایگاه دیگری درج می شود (مانند: می بینیم، بینا، بینش).

کلمات کلیدی:

ریشه، وند گذشته، ادغام صرفی، هم جوشی، شکافت

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/803461>

